

مهندس سیدشجاع‌الدین امامی رئوف، دبیر انجمن صنایع نساجی ایران، به نکته‌ای اشاره می‌کند که حکم تیر خلاص به زنجیره تولید را دارد: واردات پارچه از مسیرهای غیرمتعارف. وقتی پارچه به‌عنوان کالای نهایی وارد می‌شود، کل زنجیره تولید -از ریسندگی و بافندگی گرفته تا رنگرزی و تکمیل- تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

به گفته او، پارچه‌هایی که از طریق رویه‌های ملوانی و کولبری وارد می‌شوند، تنها با ۵ درصد مالیات بر ارزش افزوده وارد می‌شوند، در حالی که تولیدکننده داخلی برای واردات پنبه و مواد اولیه خود، باید هزینه‌های بسیار سنگین‌تری را متحمل شود. این عدم توازن، یعنی عملاً واردکننده ۲۰ درصد حاشیه سود بیشتری نسبت به تولیدکننده دارد. وقتی به این موضوع، واردات انبوه پوشاک قاچاق در پوشش پارچه را اضافه کنیم، می‌بینیم که تولیدکننده داخلی نه تنها با رکود بازار، که با یک «رقابت نابرابر قانونی و غیرقانونی» نیز می‌جنگد.

در این میان، دکتر امین مقدم، عضو هیئت نمایندگان اتاق ایران، هشدار مهمی می‌دهد: «تاب‌آوری، زمانی ارزشمند است که پلی برای عبور از بحران و رسیدن به توسعه باشد.» او معتقد است صنعت نساجی ایران بارها ثابت کرده که می‌تواند در سخت‌ترین شرایط دوام بیاورد، اما خطر اینجاست که اگر بنگاه‌ها برای مدتی طولانی در وضعیت «دفاعی» باقی بمانند، منابعی را مصرف می‌کنند که باید صرف آینده‌سازی و نوآوری تکنولوژی می‌شد.

به عبارت ساده‌تر، صنعت نساجی ایران امروز در یک ایستگاه انتظار طولانی گیر کرده است. «تاب‌آوری» دیگر یک فضیلت نیست، بلکه به یک استراتژی فرسایشی تبدیل شده که توان جهش را از تولیدکننده گرفته است. اگر این زنجیره تولید نتواند از زیر سایه سنگین واردات غیررسمی و شوک‌های تأمین مواد اولیه خارج شود، خروج از وضعیت فعلی، حتی با فروکش کردن طوفان‌های اقتصادی، بسیار دشوار خواهد بود.

بقا، شروع مسیر است؛ اما بدون نگاه سیستمی و اصلاح روندهای وارداتی، بقا تنها به معنای طولانی‌تر کردن رنج تولید است، نه رسیدن به مقصد.



نویسنده: مینا بیانی

صنایع نساجی ایران در ایستگاه بقا

برای این صنعت می‌داند. از تبعات مستقیم وقایع سال‌های گذشته، تعطیلی‌های مکرر، اختلال‌های اینترنتی و رکود حاکم بر بازار، فشار خردکننده‌ای است که بر زنجیره تولید وارد شده است.

بررسی‌های اتاق بازرگانی نیز این تصویر را تکمیل می‌کند: صنعت نساجی امروز به‌طور همزمان با یک «شوک عرضه» و «رکود تقاضا» دست‌وپنج نرم می‌کند. از یک‌سو، تأمین نهاده‌های کلیدی مثل چپس پلی‌استر و پلی‌پروپیلن دچار اختلال شده و رقابت نفس‌گیر در بورس کالا، قیمت مواد اولیه را به شکل افسارگسیخته‌ای بالا برده است.

در چنین شرایطی، استراتژی بسیاری از واحدهای تولیدی از «سودآوری» و «توسعه» به «حفظ بقا و جلوگیری از توقف تولید» تغییر جهت داده است. اما پرسش اینجاست که این وضعیت تا کی پایدار است؟ اینجاست که پای آسیب‌های ساختاری دیگری به میان می‌آید.

کافی است این روزها چرخی در خیابان بزنید تا نبض اقتصاد را در ویت‌ترین‌ها و قفسه‌ها حس کنید. در شیرینی‌فروشی‌ها دیگر خبری از آن شلوغی‌های همیشگی برای خرید کیک و شیرینی‌های گران‌قیمت نیست.

مردم ترجیح می‌دهند برای وعده‌های اصلی‌شان سراغ غذاهای ارزان‌قیمت‌تر و «شکم‌پرکن» مثل فلافل بروند. این تغییر رفتار، فقط یک تغییر سلیقه نیست؛ نشانه‌ای از آب رفتن قدرت خرید است که حالا در بیلبردهای شهر هم خودنمایی می‌کند: انبوهی از بنرهای تبلیغاتی که با فونت‌های درشت، «فروش قسطی» را فریاد می‌زنند. در چنین فضای خاکستری و انقباضی، صنعت نساجی ایران نیز ناگزیر در وضعیتی قرار گرفته که شاید بتوان آن را «دوران بقا» نامید.

منصور الیاسی، رئیس هیئت مدیره اتحادیه تولید و صادرات نساجی و پوشاک ایران در مجمع اخیر این تشکل، سال‌های اخیر را یکی از دشوارترین ادوار